

همه در فروپاشی فرهنگ کار مقصریم

فرهنگ کار که در سالهای اخیر همواره مسئولان و کارشناسان اقتصادی و اجتماعی بر ضرورت ارتقا جایگاه آن تاکید می کنند اکنون به موضوعی که همه ارکان جامعه را تحت تاثیر قرار داده، تبدیل شده لذا باید گفت که همه و همه اعم از خانواده، نظام آموزشی، مسئولان و غیره در کمرنگ شدن فرهنگ کار نقش داشته ایم.



فرهنگ کار که در سالهای اخیر همواره مسئولان و کارشناسان اقتصادی و اجتماعی بر ضرورت ارتقا جایگاه آن تاکید می کنند اکنون به موضوعی که همه ارکان جامعه را تحت تاثیر قرار داده، تبدیل شده لذا باید گفت که همه و همه اعم از خانواده، نظام آموزش، مسئولان و غیره در کمرنگ شدن فرهنگ کار نقش داشته ایم.

بازار کار کشور که هم اکنون بامعضل بیکاری مواجه است به طور قطع در سالهای آتی با شرایط به مراتب سخت تری مواجه خواهد داشت به طوری که نزدیک به 4.5 میلیون نفری که هم اکنون در دانشگاههای کشور مشغول به تحصیل هستند، بزودی وارد بازار کار می شوند و جمعیت بیکار کشور را به بیش از هشت میلیون نفر می رسانند.

وقتی با کارجویان به صحبت می نشینیم اکثر جوانان دوست دارند به دولت متصل شوند و کار راحتی با درآمد بی تردید و دائمی داشته باشند. اغلب جوانان مشتاق هستند که پشت میز بنشینند و از کارهای سخت گریزانند و به عبارتی کارهای راحت و بی دردسر را به مشاغل سخت و پردرد سر، ترجیح می دهند.

یک کارجوی مراجعه کننده به یکی از موسسات کاریابی با مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد مکانیک خودرو و علیرغم داشتن مهارت فنی، خواهان استخدام و کار پشت میزنشینی است و چنین کاری را به کار فنی، ترجیح می دهد.

لیلی دانشمند مسئول کاریابی که وی به آن مراجعه کرده، می گوید: در صورتی که این فرد دو نرم افزار فراگیرد، می تواند در بخش های اداری و فنی استخدام شود.

متأسفانه بسیاری از کارجویان که به کاریابی ها مراجعه می کنند، خواهان دستمزد بالا هستند و علیرغم اینکه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پایه حقوق کارگری را 608 هزار تومان تعیین کرده اما بسیاری از کارجویان حتی برای استخدام به عنوان تحصیلدار در یک موسسه چنین دستمزدی را نمی پذیرند و خواهان دستمزد حداقل یک میلیون تومانی هستند.

دانشمند یادآور شد: بیشتر کارجویانی که به کاریابی مراجعه می کنند خواهان کاری راحت با دستمزدی بالا هستند و می خواهند که فاصله محل کارشان نیز نزدیک به محل زندگی آنها باشد.

بی تردید، شرایط رکود - تورمی که بر اقتصاد کشور حاکم است بسیاری از کارفرمایان را در بکارگیری نیروی کار با مشکل مواجه کرده به طوری که نمی توانند دستمزد بالایی را به کارمندان و یا کارگران شان، پرداخت کنند.

به عبارتی موضوع کار و اشتغال امری دو سویه شده از یکسو کار نیست و از سوی دیگر اگر کاری هم باشد درآمد آن مکفی نیست.

** کودکان در خانواده و مدرسه برای مسئولیت های آینده تربیت نمی شوند

بسیاری از کودکانی که در دهه های 60 یا 70 متولد شده اند علیرغم اینکه در سنین اشتغال قرار دارند اما آماده ورود به بازار کار نیستند، متأسفانه تربیت خانوادگی و نظام آموزشی کشور نتوانسته جوانان یادشده را برای جذب در بازار کار آماده کند.

بسیاری از والدین حتی از دادن مسئولیت های اندک به کودکان شان نظیر خرید نان خودداری می کنند و این در حالی است که مدارس کشور دانش آموزان را با انباشتی از محفوظات ذهنی تربیت می کنند که کودک در دوران تحصیل انجام کار عملی را هیچگاه تجربه نمی کند. این مهم در نهایت منفعّل شدن در مسئولیت پذیری برای آنها به جا خواهد گذاشت.

چگونه کودکی که تمام دوران مدرسه و دبیرستان را در صورتی که دانش آموز تلاشگری بوده باشد به حفظ مطالب پرداخته و نظام آموزشی از او انجام کوچکترین کار عملی را نخواست، بتواند برای مسئولیت پذیری در آینده شغلی آماده شود.

در سالهای اخیر حتی درس انشا که درسی از تراوشات فکری دانش آموزان بود از دروس مدارس حذف شد به عبارتی حتی به دانش آموزانمان فرمان فکر نکن، بیان نکن و تنها حفظ کن را صادر کرده ایم بنابراین آنان چگونه باید برای حضور در اجتماع بزرگتر که همان بازار کار است، آماده شوند؟

نوجوانان کشور در اواخر دهه 50 و 60 توانستند وارد جنگ شوند آن کودکان مومن که ایمان خود را بر طبق اخلاص گذاشتند و در عملیات های سخت جنگی خالصانه شرکت کردند امروز در سنین بزرگسالی قرار دارند اما فرزندان آنها چگونه می خواهند سکان زندگی را از آنان تحویل بگیرند؟

دانشمند بیان داشت: با توجه به اینکه کاربایی ها کار مشاوره شغلی را هم انجام می دهند در بسیاری از این مشاوره ها متوجه می شویم که کارجو حتی اطلاعی از وضعیت شغلی خود ندارد و نمی داند چه شغلی را باید انتخاب کند.

این فعال بخش خصوصی ادامه داد: بسیاری از جوانان حتی نمی دانند با محیط کار چگونه باید برخورد کنند و پیش از شروع کار نیاز دارند که برخی موارد نظیر پوشش و رفتار را در محیط کار بیاموزند.

کشورهایی که مسیر تولید را طی می کنند تفاوت قابل توجهی میان رده های مختلف شغلی ندارند و همه افراد جامعه از کرامت برخوردارند. در ایران هم باید فرهنگ کار به گونه ای نهادینه شود که ارزش انسانها به کاری که انجام می دهند باشد و کودک بیاموزد رفتگری که خیابان های شهر را تمیز می کند با پزشک، معلم، کارمند و یا پرستاری که خدمتی را به جامعه ارائه می دهد به لحاظ نفس انجام کار یکسان است.

اخلاق کار موضوعی است که باید کودکان و جوانان در هنگام آموزش آن را فرا گیرند و در صورتی که کودک و نوجوان با کاهلی و سستی و بی مسئولیتی پرورش یابد، دشوار است و همه دشواری ها زمانی که او باید به عنوان یک فرد اجتماعی مسئولیت بپذیرد خود را نشان خواهد داد.

در کشورهای غربی دانش آموزان برای زندگی کاری آینده آماده می شوند و از هفت یا هشت سالگی به کار عملی و مسئولیت پذیری عادت می کنند و این در حالی است که تلاش می شود به کودکان ضمن آموزش فرهنگ انسانی، مسئولیت پذیری را بیاموزند.

**** همه نمی توانند جذب دولت شوند**

دانشمند با اشاره به اینکه دولت توان جذب نیروی کار را ندارد، گفت: بخش خصوصی نیاز به نیروی کار کارآمد دارد و نمی تواند به افرادی که مهارت لازمه را ندارند، حقوق پرداخت کند.

شرایط کنونی جامعه ایران به گونه ای است که استخدام در بخش دولتی مشکل شده و این در حالی است که بسیاری از کارجویان دوست دارند خود را به آغوش دولت بیاندازند و سهمی از درآمدهای نفتی را به خود تخصیص دهند.

دانشمند اضافه کرد: بسیاری از کارجویان تنها به دلیل فشارهای خانواده به کاربایی مراجعه می کنند و انگیزه ای برای کار ندارند. حتی برخی از کارجویان که ساعت هشت صبح قرار مصاحبه در کاربایی دارند با سه ساعت تاخیر به کاربایی مراجعه می کنند و وقتی از آنها علت را جویا می شویم می گویند تمایل و انگیزه ای به کار ندارند و تنها به دلیل فشار خانواده به کاربایی مراجعه کرده اند.

برخی از شرکتهای خارجی فعال در ایران از روحیه برخی از جوانان ایرانی تعجب می کنند. مدیر یکی از این شرکت ها که شرکتی فرانسوی در ایران است در گفت و گو با خبرنگار ایرنا می گوید حدود 2 ماه است که تقاضای استخدام برای دو نفر حسابدار داده ایم اما هنوز نتوانسته ایم کسی را استخدام کنیم. مراجعه کننده بسیار اندک است انگار در ایران بیکاری نیست.

مدیر این شرکت فرانسوی معتقد است: داشتن چنین روحیه ای کار ما را در ایران دشوار می کند و ترجیح می دهیم که از ایران برویم تا بتوانیم از نیروهای کارآمد در دیگر کشورها بهره مند شویم.

**** کار کردن عار نیست**

برخی از کارمندان در شرکتهایی که در شرق آسیا و یا حتی در بسیاری از کشورهای دیگر کار می کنند، از انجام هیچ کاری شرمند نمی شوند از کار تخصصی خود گرفته تا ریختن چای و کارهای دیگر. این افراد به گونه ای تربیت شده اند که به کار احترام می گذارند. کارکنان موسسات یادشده بدون اینکه لحظه ای درنگ کنند که آیا این کار در شان یک مهندس و یا کارمند است، کار را انجام می دهند.

زمانی که فرهنگ کار در یک جامعه استحکام یابد افراد منتظر نمی شوند که کاری بر زمین بماند همه آحاد جامعه به دنبال انجام کار می باشند.

**** آزمونهای استخدامی منطبق با شغل نیست**

بحث های عدالت اجتماعی و شایسته سالاری در ایران بدرستی جا نیفتاده است به طوری که بسیاری از آزمونهای استخدامی ربطی به نوع شغل ندارد و از افراد پرسش هایی می شود که فرد نمی تواند رابطه بین دو موضوع کار و نحوه استخدام را درک کند.

فردی که به دلیل توانمندی علمی و تخصصی می خواهد در رشته ای به کار اشتغال یابد با نحوه استخدامی نامتعارف، می تواند از کار رانده شود و حتی در برخی از موارد فرد تمایل خود را برای کار در ایران از دست می دهد و مهاجرت به دیگر کشورها ذهنش را مشغول خواهد کرد.

**** زنان کارجو انگیزه بیشتری برای یافتن شغل دارند**

افزایش تحصیلات دانشگاهی و سن ازدواج، زنان جوان را بیشتر به سوی بازار کار سوق می دهد.

در حالیکه نرخ بیکاری زنان جوان در کشور بیش از 40 درصد است، کارجویان زن در مراجعه به کاریابی ها خیلی سریعتر شغل پیشنهادی را می پذیرند و ماندگاری آنها در بازار کار بیشتر است.

دانشمند می گوید: اغلب مردان بعد از گذراندن چند ماه شغل خود را رها می کنند و بدنبال شغلی با درآمد بیشتر هستند اما پایداری شغلی زنان بیش از مردان است و مدت طولانی تری بر کار خود ماندگار می شوند. این در حالی است که زنان بسیاری از مشاغل حتی در راههای دور را می پذیرند اما مردان به چنین سختی تن نمی دهند. زنانی که به کاریابی ها مراجعه می کنند اغلب مجرد هستند و قصد ازدواج ندارند و به همین دلیل شغل خود را بیش از مردان حفظ می کنند.

مهدی محمدزاده کارشناس کار در حوزه فناوری اطلاعات نیز معتقد است: برخی از مردان مشاغلی نظیر نگهبانی را به طور عام نمی پذیرند و در مقابل زنان فقط برای اینکه شغلی داشته باشند آن را می پذیرند.

وی ادامه داد: به طور مثال شغل نگهبانی از سه بعد از ظهر تا 11 شب به مردی جوان پیشنهاد شد که نپذیرفت و بجای آن زنی این شغل را قبول کرد.

هم اکنون بازار کار کشور از تبعیض جنسیتی رنج می برد و بسیاری از کارجویان زن دانش آموخته در برخی از رشته ها در کارگاهها و یا موسسات اقتصادی بکار گرفته نمی شوند.

دانشمند توضیح می دهد: به طور مثال زنان فارغ التحصیل رشته عمران نمی توانند در طرحهای بزرگ بکار گرفته شوند که این امر موجب دلسردی بخشی بزرگی از نیروی کار کشور خواهد شد.

رئیس موسسه کاریابی دانشمند می گوید: در حالی که زنان از توانمندی بالایی برخوردارند و انگیزه بیشتری هم نسبت به کارجویان مرد دارند اما در شرایط مساوی، مردان از سوی کارفرمان به زنان ترجیح داده می شوند.

وی گفت: عمدتاً مشاغلی که به زنان در کاریابی ها پیشنهاد می شود، زنان می پذیرند در حالیکه مردان اغلب خواهان شرایط خاصی برای کار هستند.

وی افزود: به طور مثال کارجوی مردی که در جاده کرج زندگی می کرد حاضر نبود برای کار به کارگاهی که در وردآورد بود، برود در حالیکه همین کار از سوی یک زن کارجو که در تهران زندگی می کرد پذیرفته شد.

**** مهاجرت نیروی کار**

بحران کار در ایران بسیاری از کارجویان را ترغیب به مهاجرت می کند و بسیاری از مشتریان کاریابی ها را افرادی تشکیل می دهند که برای لغو تعهد به کاریابی مراجعه می کنند.

م.س یکی از مراجعه کنندگان به کاریابی که دارای دکتری برق از دانشگاه امیرکبیر است و برای لغو تعهد همسرش که دارای کارشناسی ارشد فیزیک دریا از دانشگاه تربیت مدرس است به کاریابی مراجعه کرده، از او علت این کار را جویا شدم، گفت: من و همسرم می خواهیم از ایران به یکی از کشورهای غربی مهاجرت کنیم. نه برای رشته من و نه همسرم در ایران کاری نیست.

این کارجو می گوید: جایی دکتری برق و یا فوق لیسانس فیزیک دریا را استخدام نمی کند، برای همین می خواهیم زندگی کاری خود را در جایی دیگر شروع کنیم.

بازار کار کشور نه تنها نمی تواند برخی از رشته های دانشگاهی را پذیرا باشد بلکه حتی در شهرهای کوچک کشور هم توان جذب دانش آموختگان دانشگاهی برای بسیاری از رشته ها وجود ندارد.

محمدزاده تصریح کرد: یک زوج جوان که در رشته کامپیوتر در شهر مریوان تحصیل کرده اند به دلیل اینکه نتوانسته بودند در آن شهر کاری بیابند به تهران آمده اند تا در این شهر موفق به یافتن شغل شوند. مشکلات سکونت در شهر تهران برای دو جوان که نه شغلی و نه مسکنی دارند، آنچنان عرصه را برای آنها تنگ کرده که درصدد هستند در مجتمع آپارتمانی به کار سرایداری مشغول شوند.

**** بیکاری و درآمدهای نامکفی**

بازار کار ایران با مشکلات عدیده ای مواجه است. از یکسو فرهنگ کار بشدت متزلزل شده از سوی دیگر جوانان فاقد الگویی از کار، پرورش یافته اند زیرا طی سه دهه جامعه دچار مسائل خاصی نظیر استفاده از رانت و دلالی بوده که کودکان و جوانان را از الگوهای کارآفرینی دور کرده است.

کم نبودند در جامعه افرادی که یک شبه ره صد ساله را طی کردند و یا افرادی به دلیل برخی از وابستگی ها توانستند از امتیازات ویژه ای برخوردار شوند و همه اینها زمینه های سرخوردگی برای جوانانی که کار می کنند و یا جویای کار هستند را ایجاد کرده است.

سرخوردگی برای شاغل به معنای کاهش بهره وری است و برای کارجویی که نمی تواند شغلی مناسب بیابد ناامیدی و گسست اجتماعی را به همراه دارد.

بازار کار کشور به دلیل شرایط تورمی حاکم بر آن نمی تواند برای جوانان جذاب باشد. جوان تحصیل کرده ای که به کار گماره می

شود به طور عام نمی تواند از پس زندگی مادی خود براحته برآید.

بالا بودن هزینه های زندگی، دستمزدها را هدف می گیرد و بسیاری از جوانان که در دانشگاهها رشته های فنی و تخصصی را فراگرفته اند علیرغم توانمندی کاری نمی توانند از مخارج یک زندگی درخور برآیند.

م.ب یکی از کارجویانی است که در رشته گرافیک تحصیل کرده و مدت سه سال است که در یک شرکت خصوصی کار می کند.

وقتی از وی علت مراجعه به کاریابی را جویا شدم، گفت: سه سال است که در بخش خصوصی کار می کنم و کارفرما حاضر نیست که درآمد مرا افزایش دهد و به همین دلیل می خواهم با توجه به تجربه ای که کسب کرده ام در موسسه ای دیگر که دستمزد بالاتری دارد، مشغول به کار شوم.

برخی از جوانانی که در کشورهای غربی به کار اشتغال دارند معتقدند در امریکا و یا اروپا حتی اگر کار تحویل پیتزا به درب خانه ها را انجام دهند بیشتر از یک مهندس در ایران دریافتی دارند. دستمزد یک کارگر ساده در کشورهای غربی به گونه ای است که با آن میزان درآمد می توان یک زندگی نسبتا مناسب را اداره کرد.

کارجوی دیگر که مردی جوان است به دلیل شرایط نامطلوب اقتصادی در سالهای اخیر شغل خود را از دست داده است.

این مرد جوان که دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته شیمی است می گوید چند سال در یکی از شرکتهای وابسته به پتروشیمی کار می کردم که به دلیل رکود اقتصادی سالهای اخیر شرکت فعالیت خود را به سوی سرمایه گذاری در ساخت مسکن هدایت و نیروهای متخصص خود را تعدیل کرد. بیش از 1.5 سال است بیکارم و در این مدت بسیاری از کارهای غیر تخصصی را انجام داده ام اما هم اکنون ترجیح می دهم به دلیل برداشته شدن تدریجی تحریم ها دوباره به کار تخصصی خود در رشته شیمی برگردم.

یکی دیگر از مشکلات بازار کار در سالهای اخیر فروپاشی برخی از صنایع در کشور بوده است. امروز بسیاری از جوانان از ترس فروپاشی مجدد نمی خواهند در صناعی که در این سالها دچار مشکل شده اند، جذب شوند. صنایع خودرو سازی از جمله صناعی است که امروزه جوانان تمایلی به کار در آنها ندارند. در سالهای اخیر تعدیل نیرو در واحدهای یادشده بیش از دیگر صنایع بوده است.

دیده می شود، سوء مدیریت و تحریم ها در سالهای اخیر فقط تبعات اقتصادی نداشته بلکه مسائل یادشده سرخوردگی و ناامیدی را در دل جوانان ایجاد کرده که جبران تبعات یادشده، بزودی قابل جبران نیست.

همه اینها در حالی است که برخی از جوانان که می توانند به کارهای دلالتی بپردازند، ترجیح می دهند از طریق خرید و فروش، امرار معاش کنند. هم اکنون بسیاری از جوانان تحصیلکرده کشور در کار خرید و فروش خودرو، تلفن همراه و یا کالاهای دیگر روزگار می گذرانند و این در حالی است که چه سرمایه هایی برای این افراد هزینه شده است.

جوان تحصیلکرده ای که به کارهای دلالتی مشغول می شود، زندگی خود را در معرض آسیبهای دیگر قرار می دهد که تبعات آن همچنان ادامه خواهد یافت.

دانشمند در خصوص جوانان یادشده گفت: برخی از جوانان که به کاریابی مراجعه می کنند وقتی از دستمزد خود مطلع می شوند به ما می گویند در یک معامله پرآید دستمزد یک ماه را بدست می آوریم چرا باید یک ماه برویم و بیاییم تا پولی که در مدت چند دقیقه معامله بدست می آوریم را بگیریم؟

وی معتقد است: کاهش ارزش ریال در سالهای اخیر حتی می تواند مانع جذب کارگران از کشورهای همسایه شود. بازار کار ایران حتی جذابیت خود را برای کارگران افغانی سرعت از دست می دهد.

وی افزود: هم اکنون به دلیل بحران اقتصادی بسیاری از واحدهای اقتصادی حاضر نیستند که کارمندان و یا به کارگرانشان اضافه کاری بدهند تا درآمدها اندکی افزایش یابد و این در حالی است که تعدادی از کارفرمایان به دلیل شرایط اقتصادی یادشده می خواهند فقط یک مهندس در زمینه های مختلف استخدام کنند و حاضر نیستند در کارهای تخصصی گوناگون مهندسان مختلف را بکار گیرند. آنها قادر به پرداخت چند دستمزد نیستند و می خواهند یک نفر همه کارها را انجام دهد.

طی سالهای گذشته بازار صادرات ایران لطمت جدی خورده به طوری که صادرات برخی از واحدها یا متوقف و یا کاهش چشمگیری یافته است.

هزینه های انرژی، نبود تسهیلات، نداشتن بازار خوب برای صادرات، فشارهای ناشی از شرایط رکود تورمی و همه و همه شرایط را برای بکارگیری جویندگان کار دشوار کرده است. بازار کار ایران از حالت رقابتی خارج شده است.

قصه بازار کار ایران پر از غصه است و این از تربیت دوران کودکی، نظام آموزشی در مدارس و دانشگاه تا شرایط رکود و تورمی و در نهایت افول اخلاق اجتماعی را در بر می گیرد.

زمانی که خود انگیزه های کار را در میان جوانان این همه خدشه دار کرده ایم، چگونه باید انتظار داشت جوانی که از بهترین دانشگاههای کشور فارغ التحصیل شده با دستمزدی ناکافی به حداقل ها در یک جامعه نابرابر تن در دهد.

بی تردید، جوانی که تحصیل کرده و یا حتی مهارتی را فراگرفته در صورتی که شغلی مناسب با درآمد مکفی داشته باشد و محیط کاری پرنشاطی را برای او فراهم کرده باشیم و شایسته سالاری در محیط کاری او همواره رعایت شده باشد چرا باید از کار کردن امتناع کند؟

برای ارتقا فرهنگ کار نمی توان فقط در یک جنبه تلاش کرد. فرهنگی که طی بیش از سه دهه دچار مشکل شده است برای دگرگونی نیاز به زمان طولانی دارد.

اصلاح نظام آموزشی و دستمزدها، ارتقا فرهنگ خانوارها در خصوص کار با آموزشهای صحیح و رهایی از اقتصادی نفتی و رانتی و تاکید بر ساختارهایی که تولید را اولویت قرار می دهد و بسیاری از کارهای بزرگ و کوچک دیگر می تواند شرایط را برای دهه های آتی تغییر دهد و همه اینها در گرو این موضوع است که اتفاق نظری بر وجود مشکل باشد و شایسته سالاری زمینه را برای حضور نخبگان اجتماعی فراهم کند.

علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی معتقد است: باید به سوی جامعه بر محور تولید گام برداریم به طوری که کالای ساخت ایران یک افتخار برای مردم شود.

شکی نیست که خراب کردن آسانتر از ساختن است. ساختن فرهنگی که این چنین خدشه دار شده، نیاز به تلاش بی پایان دارد.

از: زهره دریغ گفتار